

تاثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی

مهدي خداپرست مشهدي^۱، احمد سراداري ترشيزي^۲، عليرضا حاجيان^۳، حميدرضا دهقاني فيروزآبادي^۴

^۱ دانشيار دانشكده اقتصاد دانشگاه فردوسي مشهد

^۲ دانشجوي ارشد اقتصاد دانشگاه فردوسي مشهد

^۳ دانشجوي ارشد اقتصاد دانشگاه فردوسي مشهد

^۴ دانشجوي ارشد اقتصاد دانشگاه شهيد بهشتي تهران

چکیده

یکی از عوامل و شاید مهمترین عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی بهبود محیط کسب و کار و مقررات نظارتی دولت‌هاست. کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور عملاً با محدودیت‌های مختلف تکنولوژیکی و مالی در عرصه بین‌المللی مواجه بوده که زمینه گسترش فضای رقابت بین‌المللی را در جذب سرمایه‌های خارجی و نیز دانش فنی فراهم ساخته است. کشورهای مختلف با اتکاء به اصلاحات ساختاری و سیاستی و نیز بهبود وضعیت مولفه‌های فضای کسب‌وکار از یک‌طرف وضعیت رتبه بین‌المللی فضای کسب‌وکار خود را ارتقاء داده و از طرف دیگر زمینه حضور و جذب منابع سرمایه‌ای خارجی را در اقتصاد ملی فراهم می‌سازند. هدف این پژوهش بررسی تاثیر بهبود فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی در میان کشورهای منتخب اسلامی عضو ۸D طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ است که از روش پانل پویا استفاده شده است و نتایج آن با دو روش داده‌های تابلویی اثرات ثابت و اثرات تصادفی مقایسه شده است. نتایج تحقیق حاکی از ارتباط مثبت بین شاخص سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار و رشد اقتصادی است و در نهایت با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود برای بهبود رشد اقتصادی باید به اصلاح ساختارها و نهادها و مقررات راه‌اندازی کسب‌وکار جدید روی آورد.

واژه‌های کلیدی: فضای کسب‌وکار، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی پویا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کشورها طی چند دهه گذشته برای افزایش نرخ رشد اقتصادی خود از سیاست‌ها و ابزارهای گوناگونی بهره برده‌اند، استفاده از این ابزارها و سیاست‌ها گاهی منجر به افزایش رشد اقتصادی گردیده است و گاهی نیز در برخی از کشورها نتیجه معکوس بر جای گذاشته است (عبداللهی، ۱۳۹۲). فضای کسب‌وکار از جمله شاخص‌های تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی هر کشور است که با استناد به آن می‌توان به بررسی و تجزیه و تحلیل شرایط اقتصادی هر کشور پرداخت. محیط کسب و کار در کشورها هر چه شفاف‌تر و رقابتی‌تر می‌شود، باعث افزایش سلامت اقتصاد کشور و پذیرش مطلوب سیاست‌ها و بهبود روند شاخص‌های اقتصادی خواهد شد. بانک جهانی نیز با انتشار گزارش فضای کسب و کار راهنمایی مناسب برای سرمایه‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها بوده است. این گزارش از سال ۲۰۰۴ منتشر شده و در سال ابتدایی انتشار آن فضای کسب و کار ۱۳۳ کشور را از طریق پنج شاخص مورد بررسی قرار داده است، در سال‌های بعد انتشار پروژه فضای کسب و کار به مرور تعداد کشورها و شاخص‌ها افزایش یافته به گونه‌ای که در گزارش سال ۲۰۱۸ به ۱۹۰ کشور و ده شاخص رسیده است.

فضای کسب‌وکار یکی از مفاهیم اصلی رشد و توسعه اقتصادی است که در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و مؤسسات بین‌المللی قرار گرفته است. با نبود شرایط محیطی مناسب برای فعالان اقتصادی امکان رشد و توسعه وجود ندارد. بهبود محیط کسب‌وکار نیازمند پیش‌شرط‌هایی است که ضرورت اتخاذ تدابیر لازم توسط بازیگران عرصه اقتصادی به‌ویژه دستگاه حاکمیت را برجسته می‌سازد. دولت می‌تواند علاوه بر ایجاد انگیزه برای ورود سرمایه به بازار اقتصادی، فعالیت‌های زیرزمینی و اقتصاد غیررسمی را کاهش دهد (خلیلی، ۱۳۹۴).

کشورهای عضو گروه D۸ شامل ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه کشورهای درحال توسعه هستند که علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی سرشار و توان بالقوه رشد اقتصادی بالا به نسبت کشورهای توسعه‌یافته دارای درآمد سرانه پایین‌تری هستند. در پاسخ به علت پایین بودن درآمد سرانه

این کشورها اقتصاددانان تاکنون تحقیقات متعددی انجام داده‌اند و عواملی مانند نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی، شدت باز بودن تجاری و نرخ ارز غیرواقعی در این کشورها را عوامل موثر بر نرخ رشد کشورهای در حال توسعه بیان کرده‌اند؛ اما یقیناً عوامل دیگری نیز وجود دارند که تاکنون از ذهن اقتصاددانان مغفول مانده است. در این راستا پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های بانک جهانی، اثر شاخص‌های کسب‌وکار بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو در گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه (D۸) (که شامل کشورهای ترکیه بنگلادش مصر ایران اندونزی مالزی نیجریه و پاکستان) طی دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ را بررسی می‌کند، که کشورهای بنگلادش اندونزی نیجریه و پاکستان به دلیل نقص در اطلاعات از مدل حذف شده‌اند.

مبانی نظری

در شرایط کنونی اقتصاد جهانی تمامی کشورها سعی در افزایش رشد اقتصادی دارند و عوامل مؤثر بر افزایش آن را به دقت تعقیب می‌نمایند. یکی از عوامل و شاید مهمترین عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی بهبود محیط کسب و کار و مقررات نظارتی دولت‌هاست.

کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور عملاً با محدودیت‌های مختلف تکنولوژیکی و مالی در عرصه بین‌المللی مواجه بوده که زمینه گسترش فضای رقابت بین‌المللی را در جذب سرمایه‌های خارجی و نیز دانش فنی فراهم ساخته است. کشورهای مختلف با اتکاء به اصلاحات ساختاری و سیاستی و نیز بهبود وضعیت مولفه‌های فضای کسب و کار از یک‌طرف وضعیت رتبه بین‌المللی فضای کسب و کار خود را ارتقاء داده و از طرف دیگر زمینه حضور و جذب منابع سرمایه‌ای خارجی را در اقتصاد ملی فراهم می‌سازند.

کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت در دهه ۱۷۷۰ و تأکید بر تئوری دست نامرئی و دستیابی به تعادل از طریق مکانیزم قیمت‌ها، نقطه آغاز بحث اقتصاد آزاد و پررنگ شدن نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان می‌باشد که به صورت بلامنازع تا دهه‌های اولیه قرن بیستم مبنای ساماندهی اقتصاد جوامع

مختلف تلقی می‌شود. بحران‌های متوالی و در نهایت بحران ۱۹۲۹ موجب ظهور نظریه‌هایی گردید که دخالت دولت را در بازار ضروری می‌دانستند و در واقع علاوه بر تأیید شکست بازار در برخی زمینه‌ها، ضرورت دخالت دولت را اجتناب‌ناپذیر دانستند. اما با گذشت سه دهه از افزایش تصدی دولت بر اقتصاد، نشانه‌های ناکارآمدی دولت در اداره بسیاری از بنگاهها نمایان و مبنای نظریه‌های ترکیب بهینه دولت و بازار گردید. هر چند تا اواخر دهه ۱۹۶۰ بسیاری از اقتصادها بر اساس برخی اضطرارها و همچنین تحولات سیاسی و اجتماعی دولتی شده بودند، عدم موفقیت در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در کشورهای بلوک شرق و غرب رویگردانی از اقتصاد صرفاً دولتی را موجب گردید تا اینکه از دهه ۱۹۸۰ برای دستیابی به اقتصاد غیردولتی به خصوصی‌سازی روی آوردند.

طرح مباحث گوناگون پیرامون ضرورت خصوصی‌سازی از یک سو و همچنین تأکید برخی از اقتصاددانان بر فراهم نمودن شرایط لازم برای توانمندسازی بخش خصوصی به عنوان پیش‌نیاز خصوصی‌سازی موجب گردید نگاه توأماً به این دو مقوله مورد توجه قرار گیرد. اگر در ابتدای دهه ۱۹۸۰، نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران اقتصادی بر خصوصی‌سازی تأکید داشتند، از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری اقتصاد بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست‌گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یک سو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر است (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷).

بدلیل ضرورت تجزیه و تحلیل محیط اقتصادی در ارزیابی وضعیت آن از زوایای مختلف عوامل موثر بر فضای کسب و کار از دیرباز مورد توجه سازمان‌های مختلف بوده و هریک برای بررسی آنها شاخص‌های مختلفی معرفی نموده و به کار برده‌اند. مجمع جهانی اقتصاد^۱، بنیاد هریتج^۲ و برخی سازمان‌های دیگر در این مسیر گام‌های مهمی برداشتند. تا اینکه از اواخر دهه ۱۹۹۰ بانک جهانی نیز به عنوان یکی از مهمترین حامیان

^۱ World Economic Forum

^۲ The Heritage Foundation

خصوصی سازی در دنیا گرایش خود را به سمت بررسی فضای کسب و کار به طور کلی و قوانین اثرگذار بر آن به طور جزئی تر تغییر داد.

بر اساس تعریف بانک جهانی از سهولت فضای کسب و کار، این شاخص به مجموعه عواملی اطلاق می شود که فضای کلان کسب و کار را شکل می دهند و بسیاری از این متغیرها تحت تسلط و در اختیار مدیر بنگاه اقتصادی نبوده اما بر عملکرد بخش خصوصی و همچنین شکست یا موفقیت آن تاثیرگذار است. موسسه Doing Business وابسته به بانک جهانی با استناد به ده شاخص کمی که ده مرحله از عمر یک کسب و کار را از زمان شکل گیری تا انحلال آن در بر می گیرد در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می کند. بر این اساس شاخص فضای کسب و کار مزبور محاسبه و به صورت مقایسه ای برای همه کشورهای بررسی شده گزارش می گردد. شاخص ها عبارتند از:

۱- شروع کسب و کار: که فرآیند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت را در نظر می گیرد.

۲- اخذ مجوزها: شامل تمامی فرآیند لازم الرعایه برای اخذ مجوزهای مورد نیاز تا تاسیس و راه اندازی یک کارگاه می باشد که مطالعه موردی این شاخص نشان دهنده تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه صرف شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.

۳- شاخص استخدام و اخراج نیروی کار: میزان دشواری استخدام، انعطاف ناپذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می سنجد.

۴- ثبت مالکیت: فرآیند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی می باشد. تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می شود. به عنوان مطالعه موردی فرایند کامل خرید یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر نشان دهنده این شاخص است.

۵- اخذ اعتبار: این شاخص میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا بر اساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی بپردازند.

۶- حمایت از سرمایه گذاران (سهامداران): در این شاخص بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی می‌باشند بویژه در معاملاتی که در آنها منافع مدیران با نافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است. این شاخص میزان علنی بودن (افشا) مبادلات مالی، میزان پاسخگویی مدیر، سهولت شکایت برای سهامدار و توان حمایت از سرمایه‌گذار را در بر می‌گیرد.

۷- پرداخت مالیات: این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و کل مالیات قابل پرداخت را بر حسب درصد از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را ارزیابی می‌کند.

۸- تجارت فرامرزی: تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات (از بسته‌بندی در کارخانه تا خروج از بندر)، میزان تعرفه‌ها و عوارض و همچنین تعداد مراحل، تعداد امضا عداد اسناد و تعداد روز برای واردات) از پهلوی گرفتن کشتی در بندر تا تحویل محموله به انبار کارخانه) و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد. در مطالعه موردی صدور و ورود یک محموله استاندارد از راه دریایی در نظر گرفته می‌شود.

۹- انحلال یک فعالیت: تعداد مرحله، زمان لازم برای دادرسی (روز) و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱۰- الزام آور بودن قراردادها: زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را در بر می‌گیرد (شیرکوند، ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق:

پفرمن و همکاران^۳ (۲۰۰۰)، روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و موانع انجام کسب‌وکار در کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار دادند. در بخش نخست مقاله روند سرمایه‌گذاری ثابت در بخش خصوصی و عمومی در ۴۷ کشور مورد بررسی قرار گرفت، نتایج بررسی نشان داد که به‌طور متوسط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از ۱۱/۲ درصد GDP در سال ۱۹۸۵ به ۱۴/۳ درصد GDP در سال ۱۹۹۷ رسیده و سرمایه‌گذاری دولتی طی این دوره زمانی به ۷/۲ درصد GDP کاهش یافته است که این مقدار پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۷۵ می‌باشد. در بخش دوم مقاله موانع کسب‌وکار و ارتباط آن‌ها با سطح سرمایه‌گذاری خصوصی در ۷۴ کشور مورد بررسی قرار گرفته است نتایج نشان می‌دهد نرخ ارز واقعی، حاکمیت قانون، قابل پیش‌بینی بودن سیستم قضایی و اعتباراتی که در اختیار کسب‌وکار قرار می‌گیرد عوامل اثرگذار بر سطح سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هستند.

سیسونه و پاپائانو^۴ (۲۰۰۷)، با ترکیب داده‌های زمان لازم برای طی مراحل اداری با داده‌های رشد تعداد بنگاه‌ها و رشد اشتغال بنگاه‌های اقتصادی برای ۴۵ کشور در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی دریافتند در کشورهای کمتری برای ثبت کسب‌وکار لازم است، ورود بیشتری به صنایعی که تقاضای جهانی و تغییرات تکنولوژی را تجربه کرده‌اند، وجود دارد.

فرونند و بلاکی^۵ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با استفاده از داده‌های ۱۲۶ کشور به این نتیجه رسیدند که تجارت باعث بهتر شدن سطح زندگی (بالا رفتن درآمد سرانه) در کشورهایی که دارای قوانین و مقررات انعطاف‌پذیری که به خوبی تنظیم شده و ورود بنگاه‌ها را آسان می‌کند می‌شود.

^۳ Pfeffermann at all

^۴ Ciccone and Papaioannou

^۵ Freund and Bolaky

رضایی و همکاران (۱۳۹۴) تاثیر آزادی اقتصادی، کیفیت محیط نهادی و بهبود فضای کسب و کار را بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه سند چشم‌انداز طی دوره ۲۰۱۴ - ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور، با استفاده از روش GMM برای داده‌های پانل پویا، اثر آزادی اقتصادی، کیفیت محیط نهادی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه سند چشم‌انداز مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج مطالعه حاکی از اثر مثبت و به لحاظ آماری معنادار هر سه متغیر آزادی اقتصادی، کیفیت محیط نهادی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه است.

طیبی و همکاران (۱۳۹۴) نقش محیط کسب و کار و سایر عوامل اقتصادی بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران را در دوره پس از لغو تحریم‌های اقتصادی و بر اساس سه سناریوی شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار، شامل، سناریوی اول ۱۰٪ بهبود شاخص محیط کسب و کار، سناریوی دوم ۲۵٪ بهبود شاخص محیط کسب و کار و سناریوی سوم ۵۰٪ بهبود شاخص محیط کسب و کار مورد بررسی قرار دادند. نتایج برآوردها با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا (GMM) در طی دوره ۲۰۱۴ - ۲۰۰۴ حاکی از آن است که بهبود محیط کسب و کار و رشد سرمایه‌های داخلی و خارجی و ثبات بازار ارز تاثیر مثبت و معناداری بر رشد بخش‌های اقتصاد ایجاد می‌کند.

دهقان شبانی و آفرینش فر (۱۳۹۴) تاثیر فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و ۲۸ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش سیستمی گشتاور تعمیم‌یافته در داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که با بهبود ثبات سیاسی، کنترل فساد، جهانی‌شدن اقتصادی، شروع کسب و کار، حمایت از سرمایه‌گذاری، الزام‌آورتر بودن قراردادهای تعطیلی کسب و کار، پرداخت مالیات و تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد.

مهربانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای MENA و OECD با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته» با به‌کارگیری روش داده‌های مقطعی پویا و برآوردگر گشتاور تعمیم‌یافته به بررسی و مقایسه اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی برای یک

نمونه منتخب از ۴۴ کشور عضو منا و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ پرداخته‌اند. نتایج این بررسی بیانگر آن است که رشد اقتصادی ایران به دلیل فقدان محیط کسب‌وکار مناسب از شرایط مناسبی برخوردار نیست. از سوی دیگر بررسی شاخص‌های فضای کسب‌وکار حاکی از آن است که این شاخص‌ها در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب از جایگاه مناسبی برخوردار نمی‌باشند. همچنین بررسی حاضر بیانگر وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین بهبود فضای کسب‌وکار و رشد اقتصادی است. در مورد کشورهای منا از بین شاخص‌های فضای کسب‌وکار بیشترین اثر بر رشد اقتصادی مربوط به شاخص انحلال (۰,۱۸) و کمترین اثر مربوط به شاخص تجارت فرامرزی (۰,۰۲۷) است. این در حالی است که برای کشورهای OECD بیشترین اثر مربوط به شاخص شروع کسب‌وکار (۰,۳۵) و کمترین اثر مربوط به شاخص پرداخت مالیات (۰,۱۲) است. در حالی که شاخص پرداخت مالیات برای کشورهای منا دارای اثر منفی (۰,۲۳-) بر رشد اقتصادی است؛ زیرا با بدتر شدن فضای کسب‌وکار رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

متدولوژی تحقیق:

در این تحقیق با استفاده از مدل اقتصاد سنجی داده‌های پانل به بررسی شاخص سهولت کسب کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب D۸ طی دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ می‌پردازد. در تابع تولید کاب داگلاس، تولید تابعی است از نیروی کار، سرمایه و ضریب ثابت که شاخص سهولت کسب و کار از طریق ضریب ثابت بر تولید اثر گذار است.

$$y = AL^{\alpha}k^{\beta}$$

در این پژوهش از مدل رشد درونزا استفاده شده است.

متغیرهای مورد استفاده در تحقیق:

متغیر وابسته:

Growth : نرخ رشد

متغیر های مستقل:

GL : نرخ رشد نیروی کار

GK : نرخ رشد سرمایه

SB : شاخص سهولت راه اندازی کسب و کار

کشورهای مورد بررسی:

کشورهای عضو D۸

ایران، ترکیه، پاکستان، اندونزی، مالزی، مصر (بنگلادش و نیجریه به دلیل فقدان اطلاعات در نظر گرفته نشدند)

برآورد مدل :

برای بررسی مدل از روش پانل پویا^۶ (GMM) استفاده شده است. استفاده از این روش به دلیل اینکه وقفه متغیر وابسته در سمت راست مدل ظاهر می شود برآوردهای معمولی کارایی خود را از دست می دهند لذا باید از روش پانل پویا ضرایب مدل را تخمین زد.

مدل تحقیق:

$$Growth_{it} = \beta_1 Growth_{it-1} + \beta_2 GK_{it} + \beta_3 GL_{it} + \beta_4 SB_{it}$$

برآورد ضرایب و معنی داری:

مقایسه ضرایب در مدل های مختلف:

^۶ Dynamic panel data

ضریب هر متغیر در هر یک از مدل های پانل	پانل پویا(آرلانو باند)	پانل پویا(آرلانو بوور)	پانل اثرات ثابت	پانل اثرات تصادفی
وقفه نرخ رشد اقتصادی	۰,۱۱	۰,۱۶	۰,۱۲	۰,۱۴
شاخص سهولت کسب و کار	۰,۰۰۵	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۲
نرخ رشد نیروی کار	۱,۴	۲,۶	۱,۵	۰,۹۸
نرخ رشد سرمایه	۰,۲۸	۰,۳	۰,۲۸	۰,۲۹

تفسیر نتایج: از جدول بالا نتایج زیر حاصل می شود:

علامت ضریب تمام متغیر ها مثبت می باشد و با توجه به مقایسه بین مدل های برآورد شده ضرایب بسیار نزدیک به هم در مدل های مختلف می باشد و معیار اصلی ما روش پانل پویا سیستمی (آرلانو بوور) می باشد به دلیل مزیتی که به سایر روش های پانل پویا دارد.

در این مدل به ازای افزایش یک واحد در وقفه نرخ رشد اقتصادی، شاخص سهولت کسب و کار، نرخ رشد نیروی کار و نرخ رشد سرمایه به ترتیب باعث افزایش ۰,۱۶ و ۰,۰۳ و ۲,۶ و ۰,۳ واحد در متغیر وابسته یعنی نرخ رشد اقتصادی می شود.

آماره والد^۷:

$$\text{Wald } X^2 = 70,80$$

$$\text{Prob} > X^2 = 0,0000$$

سطح معنی داری آماره والد حاکی از معنی داری کل رگرسیون می باشد.

^۷ wald

آزمون سارگان^۸:

این آزمون برای سنجش اعتبار متغیرهای ابزاری به کار برده شده در مدل به کار می رود

فرضیه صفر:

فرض صفر این آزمون معتبر بودن متغیرهای ابزاری است

نتایج

$$\chi^2 = 38,67771$$

$$\text{Prob} > \chi^2 = 0,3071$$

تفسیر آزمون و آماره سارگان:

در مدل پانل پویا برای اعتبار متغیرهای ابزاری در برآورد ضرایب از آماره سارگان استفاده می شود و فرضیه صفر آن مبنی بر معتبر بودن متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل می باشد و در این آزمون فرضیه صفر تایید و فرض یک رد می شود.

خلاصه و نتیجه گیری:

کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور عملاً با محدودیت‌های مختلف تکنولوژیکی و مالی در عرصه بین‌المللی مواجه بوده که زمینه گسترش فضای رقابت بین‌المللی را در جذب سرمایه‌های خارجی و نیز دانش فنی فراهم ساخته است. کشورهای مختلف با اتکاء به اصلاحات ساختاری و سیاستی و نیز بهبود وضعیت مولفه‌های فضای کسب و کار از یک‌طرف وضعیت رتبه بین‌المللی فضای کسب و کار خود را ارتقاء داده و از

^۸ sargan

طرف دیگر زمینه حضور و جذب منابع سرمایه‌ای خارجی را در اقتصاد ملی فراهم می‌سازند. در این پژوهش با توجه به اثر مثبت بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب که ایران مشمول این کشورهاست تاکید بیشتر بر این امر ضروری می‌باشد.

منابع

خیلیلی، فرید و ایاسه، علی؛ (۱۳۹۴). فضای کسب‌کار در استان کرمانشاه: وضعیت و جایگاه آن در کشور، دومین همایش ملی بهبود محیط کسب‌وکار، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (دفتر پایش و بهبود محیط کسب‌وکار).

شیرکوند، سعید، (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر سنجش و بهبود فضای کسب‌وکار، مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، صص ۳۰-۳۴.

عبدالهی، فرشته؛ فاطمه مهربانی و مهدی بصیرت، ۱۳۹۲، مقایسه اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو سازمان توسعه اقتصادی و همکاری OECD، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

میدری-قودچانی - سنجش و بهبود محیط کسب و کار - انجمن مدیران صنایع - ۱۳۸۷

رضایی، عباسعلی. نصیر خانی، پرویز، پور حاجی، محمود. (۱۳۹۴). تاثیر آزادی اقتصادی، کیفیت محیط نهادی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه سند چشم‌انداز. مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار (جلد دوم)، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (دفتر پایش و بهبود محیط کسب و کار و دبیر خانه شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی).

Pfeffermann, G, P. Kisunko, G ,v. Sumlinski, M, A. (۲۰۰۰). Trends in Private Investments in Developing Countries and Perceived Obstacles to Doing Business. World Bank . <http://www.worldbank.org/>

Working Paper No. ۳۴. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=۹۳۸۰۳۹> .